

بکشد و روزبه‌روز حساب مدرسه و جیب اولیای دانش‌آموزان خالی و خالی‌تر بشود. یادش به‌خیر آن روزگاران نه‌چندان دور که کیف و کوله بچه‌ها سبک بود. طوری که می‌توانستند به‌راحتی کیفشان را برای بازی‌های کودکانه هم که شده، چند دور دور سرشان بچرخانند. اولیای دانش‌آموزان هم بدون هیچ دغدغه‌ای زندگی آرام خود را سپری می‌کردند و اصلاً نگرانی جور کردن هزینه سنگین انواع بسته‌ها و کتاب‌های جور واجور کمک‌درسی را نداشتند و جلوی دانشگاه تهران، از این کتاب‌فروشی به آن کتاب‌فروشی نمی‌رفتند تا کتاب مورد نظرشان را بخرند. امیدوارم دیگر زمان آن فرا رسیده باشد تا همگی متوجه ضرر و زیان‌های سونامی کتاب‌ها و بسته‌های کمک‌درسی برای نظام آموزشی و بچه‌های عزیزمان شده باشیم و راه منطقی و مناسبی را در راستای آموزش و پرورش انتخاب کنیم.

کتاب‌ها فقط شامل حال دانش‌آموزان نمی‌شود. این خرابکاری متوجه مدرسه و مدیر و معلم و برنامه آموزشی آموزش و پرورش در سطح کلان نیز می‌شود. یادش به‌خیر معلم‌های قدیمی و با تجربه هر کدام برای خودشان یک پا نویسنده کتاب درسی بودند. جزوه‌هایی از خودشان بر اساس تدریس شخصیشان به بچه‌ها می‌دادند که به راستی مکمل کتاب درسی بود. سؤالات طراحی شده معلم‌ها خودش جای کلی بحث دارد. سؤالات خلاقانه، سؤالاتی که هر کدام کلی مطلب به دانش‌آموز می‌فهماند. دسته سؤالاتی که هیچ کدامشان با دیگری مشابه نبودند و بوی معلم کلاس می‌داد. مدیران مدارس در خدمت چنین معلمانی بودند تا از هر نظر کم و کاستی در کارشان وجود نداشته باشد. نه در خدمت قراردادهای آن‌چنانی با انواع مؤسسات ضد آموزشی (نه کمک‌آموزشی) تا بدین صورت رقم حساب‌های بانکی آن مؤسسات سر به فلک

ما هم ضرب‌المثل می‌شویم؟



احمد عربلو، نویسنده کتاب‌های کودک و نوجوان

احمد عربلو نویسنده طنزپرداز ادبیات کودک و نوجوان، از دریچه طنز به تماشای وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی و موافقان و مخالفان آن نشسته است. او با ادبیات خاص خود تبلیغات مستمر و پر زرق و برق صدا و سیما را در یک سو و کوشش‌های کارشناسان آموزش و پرورش را در سوی دیگر می‌گذارد و نگران است مبادا این کش و قوس‌ها ما را ضرب‌المثل آیندگان کند. این یادداشت کوتاه طنز را بخوانید.

از فیلتر هفت هشت ده تا کارشناس رد شده و به اصطلاح از آب گذشته است. حالا این صحنه را بگذارید کنار این صحنه که عده زیادی کارشناس مجرب در آموزش و پرورش بعد از جلسات طولانی چند هزار کیلومتری و خوردن کلی میوه و چای و زحمات فراوان به این نتیجه رسیده‌اند که بسته‌ها و کتاب‌های کمک‌درسی چه آفات فراوانی دارند و نباید در اختیار دانش‌آموزان قرار بگیرند. تلویزیون با قدرت این کتاب‌ها را تبلیغ می‌کند و کارشناسان هم تأکید می‌کنند که این جور کتاب‌ها و بسته‌های آموزشی بسیار مضرند. بسیاری از ضرب‌المثل‌ها ریشه در همین اتفاقات عجیب و غریب و متضاد دارد. حالا فرض کنید آیندگان بخواهند از این ماجرا ضرب‌المثل بسازند. به نظر شما چه خواهند ساخت؟ نکنند شوخی شوخی، ما هم برای آیندگان ضرب‌المثل شویم...

ضرب‌المثل‌ها دنیای جالبی دارند. حکایت هر ضرب‌المثل خیلی خواندنی است. اتفاقاتی افتاده و بعد تبدیل به ضرب‌المثل شده است. «قسم حضرت عباس و دم خروس»، «با دست پس می‌زند و با پا پیش می‌کشد»، «برای ما آب نداشت، اما برای تو نان داشت» و... حالا به این صحنه توجه کنید: وسط یک سریال نسبتاً خوب (!) یا بین دو نیمه یک مسابقه هیجان‌انگیز فوتبال، چند مرد و زن، یا خانواده‌ای با بچه‌های شیک‌پوش در فضایی آکنده از رنگ و زرق و برق و حتی صداهای شیک می‌آیند و با هیجان تبلیغ فلان بسته یا کتاب کمک‌درسی را می‌کنند؛ و چنان با جدیت این کار را انجام می‌دهند که پدر و مادرها هیجان‌زده می‌شوند و البته پر از نگرانی که مبادا دیر بجنبند و صبح که برای خرید آن بسته یا کتاب بروند، تمام شده باشد! بالاخره سیماست و وقتی چیزی را تبلیغ می‌کند، حتماً حداقل